

با سپاس از ایرانی دوست امیر سپهر ، در گروه ها پست شده است .
علی



روحانیتی بی حیثیت + نخبگانی بی وجدان + حکومتی بی شرف = ملتی بی معنویت و آبروباخته

نگارنده زبان عربی را زیاد دوست نمی دارم که شاید این، منشأ روانی داشته باشد و به بیدادی که اعراب وحشی با ما کردند باز گردد. در حال حاضر هم فقط تا اندازه ای آنرا می فهمم، با این وجود، از آنجا که گاهی نقد معرفت شناسی هم می کنم، برای هر چه بهتر شناختن آیین اسلام، به فراگیری این زبان روی آورده ام. از اینرو می چندی است که به تماشای برنامه های عربی می نشینم. بیشتر هم بحث های جدی را دنبال می کنم.

آنچه که برای من در همین کوتاه زمان روشن شده این است که وارون آن پنداری که ما داریم و جهان عرب را دنیایی فسیل شده، فاقد تحرک و غرق در پسماندگی های بادیه نشینی هزار و چهار صد سال پیش می دانیم، اتفاقاً اکنون اصلی ترین کانون روشنگری های ریشه ای در مورد اسلام، همان رسانه های جهان عرب و خود اعراب هستند.

فراموش نکنیم که امروزه نامور ترین و دلیر ترین روشنگر اسلامی، یعنی بانو دکتر وفا سلطان، یک عرب سوری تبار است نه دشمن اعراب و یک نژاد پرست. تلویزیونی هم که برای نخستین بار به او امکان داد که بدون کوچکترین محدودیتی روشنگری ها و دیدگاههای عقلی خود را در مورد اسلام خردسوز و انسان کش بیان کند، یک تلویزیون عربی بود نه عجمی.

بگونه ای که این زن خردمند و شیردل، اصولاً عالمگیر شدن آوازه ی شهرتش را مدیون همان تلویزیونهای عربی است. اتفاقاً بیشتر هم وامدار آن کاتالهای تلویزیونی که دست کم ما ایرانیان آنها را سخنگویان القاعده و گسترش دهندگان اندیشه های پلید و جنایتکارانه ی

بن لادن و الظواهری و ملا عمر و دیگر تروریست های اسلامی می دانیم.

این تحول شگرف رسانه ای در جهان بسیار پسمانده و محافظه کار عرب میسر نشده مگر با مدیریت درست، مگر با حفظ بیطرفی رسانه ای و از همه مهم تر، مگر با مدیریت بسیار جسورانه ی رسانه های جهان عرب. این در حالیست که برنامه سازان و مدیران رسانه

های عربی، نه تنها هیچکدام چون ما ایرانیان نبود اسلام و مسلمانان جانی نشده و از اسلام نفرت ندارند، بلکه خود از مسلمان دوآتشه و نمازخوان و حتا بعضاً مردان و زنانی ریشو و لچک برسر هستند.

و حال اینسو را بنگرید که اسلام لعنتی، نه تنها همه ی دار و ندار ما را به یغما برده، نه تنها آب دهان بر تاریخ و آموزه های ملی و ارزشهای فرهنگی و دلبستگی های ما انداخته، نه تنها بهترین فرزندان ما را با دار و داغ و درفش و گلوله و چاقو در زندانها کشته و حتا در تبعید هم دشنه آجین و ترور کرده، نه تنها چند میلیون از جگرگوشگان ما را پامنقلی و خاکستر نشین کرده، نه تنها کشورمان را بر لبه ی پرتگاه نیستی کشاند... بلکه حتا به نوامیس دختران مان هم کوچکتین شفقتی نکرده و ایرانی را به بی ناموس ترین ملت جهان مبدل ساخته.

در برابر ما قربانیان اصلی اسلام چه می کنیم، آنهم مثلاً بخش الیت جامعه ی ما که تمامی میکروفون ها، دوربین ها، نشریات و مدیریت رسانه های جمعی خارج از کشور را در اختیار دارند؟ به محض اینکه صدای تظلم خواهی یک ایرانی فناگشته از بیداد اسلام از حلقومش در می آید که ای داد! بنگرید که این آیین و بیضه داران آن با ما چه کرده اند! فوراً تمامی رسانه ها بر دهانش می کوبند که، خناق گیرد و دم فروبندد و به اعتقادات مردم توهین میکند!

حتا مثلاً روشنفکران ما هم که باید خود برای نجات این ملت نابود گشته دلیرانه پیشاهنگان روشنگری باشند، تازه، برای ما از «ملای ناز» و «ملای خشن و بی تربیت» سخن می گویند. تمامی رسانه های کشور های خارجی هم که مدیریت آنها به دست همین مثلاً نخبگان رسانه ای ما است، بجای فرصت را غنیمت شمردن و هدایت این رسانه ها در خط روشنگری و فرهنگسازی، اصلاً آن رسانه ها را تبدیل به باند های مافیایی کرده و تریبون طلبه های فیضیه قم و لمپن ترین و طفیلی ترین عناصر ضد ایرانی ساخته اند .

بنگرید که چه وضع شرم آوری دارند رادیو های فارسی زبان آلمان و فرانسه و انگلیس و آمریکا «بویژه رادیو فردا» و هلند. در گذشته دشمنی با شرف و آبرو و امنیت آسایش ملت ایران بر عهده ی رادیو تیرانا و رادیو پکن خانبابا تهرانی و رادیو توده ای ها «ایران آزاد» از شوروی و رادیو برلین شرقی... بود، امروزه این مأموریت را رادیو های جهان مثلاً آزاد و طرفدار حقوق بشر به دست گرفته اند. آنهم نه خود این کشور ها، بلکه ایرانیان شرف فروش یا پوفیوز و بزدلی که خود را آزادی خواه هم می نامند.

درست است که هدف از راه اندازی اینگونه رسانه ها، تامین منافع خود کشور های غربی است که هزینه آنها را می پردازند، لیکن به شرافت سوگند که اگر مدیریت این رسانه ها به دست خود غربی ها بود، تردیدی نداشته باشید که آنان اینگونه به مردم ما ضربه نمی زند.

بی هیچ تردیدی هم مردم مظلوم و هستی باخته ما مجال بیشتری برای تظلم خواهی در آن رسانه ها می یافتند.

زیرا خارجی ها بویژه غربی ها، نه به اندازه ی ایرانی ها خودفروش هستند، نه رفیق باز و باند ساز و نه تا این اندازه پوفیوز و ترسو و انحصارطلب. حتا اگر همین بی. بی. سی رسوا و بی آبرو هم به دست خود انگلیسی ها مدیریت می شد، برآستی سوگند که آن انگلیسی ها، هرگز با این بیشرمی و روشنی یهود ستیزی و ایران ستیزی نمی کردند.

همه ی ایرانیان احمدی نژاد بی چاک دهان و لمپن را ضد یهود ترین در میان اوباش اشغالگر ایران می پندارند، در حالیکه آن مرد مسخره، با آن رخت و ریخت و شیوه ی سخن گفتن چهارپاداری خود، اصلاً حتا برای یهودیان محبوبیتی بیشتر هم در جهان کسب کرده است. اگر یکهفته تیتراژ زن های سایت فارسی «بی. بی. سی» به دست کارکنان ایرانی آنرا دنبال کنید، آنگاه درخواهید یافت که یهود ستیزی بسیار علمی و برنامه ریزی

شده و دقیق و بیشرمانه یعنی چه. **بی. بی. سی دیگر اصلاً بگونه ای آشکار به اصلی ترین پایگاه دشمنی با ناسیونالیسم ایرانی و یهودی مبدل گشته است.**

یا مثلاً همه ایرانیان عنصری چون جنتی و مصباح و ری شهری و دری نجف آبادی و محمدی گیلانی را پست ترین آخوند های مدافع اسلام و مدرسه حقانی می داند، لطفاً چند برنامه ی «پنجره ای رو به خانه ی پدری» مسلم ابن عقیل کراواتی را ژرف و با دقت تماشا کنید تا بفهمید که آخوند حقیقی چه ویژگیهای دارد و دفاع از اسلام انسان کش و اندیشه سوز، بویژه دفاع بسیار ظریف و هوشمندانه از آخوندیسم ضد ایرانی و حوزه های خردکشی چگونه است.

حاصل سخن اینکه، بنیان خرد و معنویت و آبرو و اعتبار هر ملتی بر شالوده ی نیکوکاری ها و افکار انساندوستانه و مسئولیت پذیری چند قشر از مردم آن استوار است. بر افکار بلند اندیشمندانی که خرد گستری و فرهنگ سازی می کنند، بر خدایپرستی روحانیانی که حال بظاهر هم که شده نقش پاسداران و مروجان اخلاق و معنویت را در میان مردم دارند، بر مسئولیت پذیری و وجدان نخبگان رسانه ای و اهالی قلم و بالاخره بر تخصص و میهن دوستی دولتمداران و مسئولیت پذیری و پاسخگویی آنان.

و حال ملتی که روحانیان آن دیگر بگونه ای آشکار به جا. بی روی آورده باشند «ساختن نجیب خانه حتا در درون صحن زیارتگاهها»، ملتی که پیش آهنگان اندیشه ای آن، خود احمق ترین و نابخرد ترین و خائن ترین ها از آب در آمده باشند، ملتی که نخبگان رسانه ای آن بجای کمک به روشنگری و روشنگران، خود پاسداران جهل و ظلمت شده باشند و

بالاخره ملتی که اعضای دولتش همه از چاقوکش های فاحشه خانه ها و باج خور های میدان تره بار و مالفروشان باشند، اینجنین ملتی کجا می تواند غرور و شرف و آبرو و نیکنامی داشته باشد؟

امیر سپهر